

# پیدایش دولت از نظر اسلام

(۲)

نظریه قرارداد اجتماعی از نظر اسلام:

قرارداد اجتماعی از معروفترین نظریاتی است که تا بحال در پیدایش دولت گفته شده است.

نخستین کسی که بشرح و تفصیل این نظریه پرداخت ژان ژاک روسو دانشمند فرانسوی است که این نظریه را در کتاب مستقلی بنام قرارداد اجتماعی بیان نموده. روسو در این کتاب میگوید انسان نخستین بار که از دامن طبیعت رانده شد و در اثر افزایش نفوس از زندگانی طبیعی و فردی یزندگانی اجتماعی منتقل شد ناچار گردید که گردهم آمده و بروفق قرارداد مخصوصی دست بدست هم داده و از این نیروی دسته جمعی در تنظیم امور اجتماعی استفاده کند.

قرارداد اجتماعی بیگمان آزادی افراد را تا حدودی محدود مینماید اما در عوض این محدودیت با افراد نیروی اجتماعی نامحدودی میدهد که بوسیله آن زندگانی اجتماعی خود را تنظیم نمایند.

و چون هر فردی از اجتماع برضایت، تن بچنین قراردادی میدهد باید گفت که هیچ فردی محکوم فرد دیگر یا هیئت مخصوصی نیست و فقط خود اوست که آزادی خود را برای حفظ مصالح خود تجدید میکند.

روسو میگوید:

«هریک از ما شخص خود و تمام توانائی خود را تحت فرمان اراده عمومی بشارکت میگذاریم و هر عضو شرکت را بعنوان جزء لاینفک کل در مجمع خود میپذیریم» (۱)

هر فردی در چنین اجتماع قراردادی دو نوع تعهد بعهده دارد یکی از آن جهت که عضو هیئت حاکمه بشمار میرود و ناچار التزاماتی از قبیل وضع قوانین و تنظیم امور اجتماعی در مقابل عامه خواهد داشت و دیگری از این جهت که عضو هیئت دولت است و باین اعتبار التزاماتی نسبت به هیئت حاکمه بعهده خود او از قبیل اطاعت و فرمانبرداری از قوانین خواهد بود.

پس میتوان گفت که واقعا هر فردی در این قرارداد، خود دو طرف پیمان بشمار میرود یعنی خود با خویش قرارگزاری میکند. اما اینجا روسو باین پرسش بر میخورد که در این صورت چه اشکالی دارد فرد از زیر بار تعهداتی که با خود بسته شانه خالی کند.

روسو جواب میدهد «هیچکس مجبور نیست عهدی را که با خود کرده است وفا نماید» ولی اگر کسی نسبت بهیئتی که خود یکی از افراد آن است تعهدی نموده باشد ملزم بانجام آنست زیرا الفای تعهدش بسائر اعضای هیئت لطمه میزند.

اما هیئت حاکمه يك تعهد بیشتر بگردن نگرفته آنها نسبت بافراد است و چون هیئت حاکمه مجموعه افراد است هر وقت این مجموعه تصمیم گرفت تعهدی را لغو کند بمختار است زیرا حالت یکنفری را دارد که فقط نسبت بخود تعهدی کرده

(۱) قرارداد اجتماعی ترجمه زیر کزاده ص ۵.

است و ملزم بوفای بعهد نیست .

بنابراین روسو از این جمله چنین نتیجه میگیرد که قرارداد های همه گانی نسبت با افراد غیر قابل نقض است اما نسبت بهیئت دولت که مجموع افراد باشد چنین نیست و هیئت دولت چون در واقع با خود چنین پیمانی بسته در صورت لزوم میتواند آنرا نقض نماید .

روسو در نظریه عقد اجتماعی بیشتر باین مطلب توضیح میدهد که افراد با چنین پیمانی آزادی فردی خود را از دست نمیدهند بلکه چون همه با رغبت و رضایت خود تن بچنین پیمانی داده اند با نیروی بیشتری میتوانند به کار های بزرگ اجتماعی مطابق میل و رغبت عقلی خود اقدام نمایند و این نیروی اجتماعی را که از اجتماع نیروهای افراد فراهم شده همچون اهرمی در کار های بزرگ که از حدود طاقت فرد بیرون است بکار برند . و چون در این پیمان هر فرد آنچه دارد با اجتماع میبخشد کسی در صدد اخلال وضع اجتماعی نیست چه هر فسادیکه در اجتماع پیدا شود بخود فرد باز خواهد گشت . اراده عمومی که نماینده افکار ملت و هیئت دولت است هیچگاه اشتباه نمیکند و ممکن نیست برخلاف مصلحت عمومی کاری بکند چون هیئت دولت کسی جز افراد همان اجتماع نیست و اراده آن چیزی جز اراده همان افراد نیست لذا تصور نمیشود که هیئت دولت برخلاف مصلحت عمومی کاری بکند .

و از این جهت نظریه قرارداد اجتماعی ، دولت را در مقابل افراد مسئول نمیداند . اما از آن طرف اراده شخصی افراد ممکن است با اراده عمومی آنان اختلاف پیدا کند و مصالح شخصی افراد ممکن است برخلاف مصالح عمومی بوده باشد و در این صورت ب فکر سرپیچی و مخالفت قرارداد اجتماعی برآیند لذا هیئت دولت ناچار است در این قبیل موارد با فشار و زور مخالفین را سرکوبی نموده و پیمان اجتماعیرا نگهداری کند .

دولت وقتی دست بچنین کاری میزند هیچوقت آزادی فرد را بخطر نیانداخته بلکه برعکس آزادی این فرد در ضمن مصلحت عمومی تامین و تضمین میگردد .

دولت اگر در مواقع ضرورت صلاحیت چنین کاری را نداشته باشد بهیچوجه نخواهد توانست آزادی افراد را حفظ کند و از حقوق اجتماعی و فردی آنان در مقابل متجاوزین دفاع کند بنابراین این کار نه تنها بر آزادی فردی صدمه ای وارد نمیآورد بلکه تنها وسیله ایست که دولت میتواند با آن آرامش عمومی و آزادی و حقوق افراد را حفظ کند .

نظریه قرارداد اجتماعی با آنکه در انقلاب بزرگ فرانسه تأثیرات بسیاری داشت و انقلابیون نظریه بالا را دستور و اساس کار های سیاسی خود را قراردادند با این همه شهرت علمی خوبی ندارد و گویا در عصر حاضر از نظریات سیاسی منسوخ بشمار میرود .

و چنانچه دکتر قاسم زاده در حقوق اساسی میگوید «نظریه عقد اجتماعی بین علماء حقوق اساسی و علم الاجتماع معاصر طرفداری ندارد بطوریکه نمیتوان نظریه مزبور را متروک دانست» (۱)

اینک با دقت بیشتری بانققاد نظریه میپردازیم روسو میگوید آدمی وقتی در پناه طبیعت زندگانی میکرد هیچگونه التزامی بچیزی نداشت و از هر قید و بندی آسوده بود و تنها از روزی که بشر تن بقرارداد اجتماعی داد خود را بزیر بار قیود اجتماعی آورد .

بقیه از صفحه ۵

لکن برخلاف عقیده روسو علماء علم الاجتماع میگویند که اقوام وحشی پیشین که بازماندگان آنان تا وقت حاضر نیز در مناطق دورافتاده آفریقا و آمریکا و استرالیا زندگانی میکنند بمقررات و عادات و رسوم خاصی پابند هستند که با آن زندگانی طبیعی و خالی از هر قیدی که روسو تصور میکند اختلاف بسیار دارد .

انتقاد دیگری که بر نظریه قرارداد اجتماعی میشود نمود اینست که هنوز بسیاری از اجتماعات متمدن و مترقی امروز نمیتوانند درست معنای قرارداد اجتماعی را بفهمند چه رسد بآنکه چنین قراری را بگذارند آنها در مراحل اولیه بشر دوران اولیه خود را طی میکرد . دکتر قاسم زاده در این خصوص میگوید :

در ممالک متمدنه کنونی اشخاص زیاد یافت میشوند که با وجود تماس و اصطکاک بسیاری که با دولت دارند باز بلزوم وجود دولت پی نبرده و اصلا سازمان دولتی در مخیله آنها خطور نمیکند و با این وصف چطور ممکن است تصور نمود مردمان وحشی که هرگز جزء دولتی نبوده و هیچ دولتی را ندیده و حتی نام دولت بگوششان نخورده است بتوانند بوسیله عقد اجتماعی تشکیل دولت دهند (۲) .

از اینها گذشته مهمترین ایرادی که میتوان بر نظریه عقد اجتماعی نمود جنبه نظری و خیالی نظریه مذکور است .

روسو در حقیقت جوابی به پرسشی از پیدایش دولت نمیدهد و شاید خود کم و بیش قبول داشته باشد که پیمان اجتماعی در آن روز های نخست که بشر به تشکیلات اجتماعی برخواست برای انسان اولیه مفهومی نداشت با این ملاحظه روسو معتقد است که اگر واقعا دسته‌ای از مردم بخواهند از حالت اولیه بحالت اجتماعی در آیند برای تشکیلات اجتماعی خود اساسی بهتر از پیمان اجتماعی نخواهند یافت بنابراین نظریه قرارداد اجتماعی بیشتر جنبه نظری دارد و کمتر میتواند اثری از آن در بخشهای سیاسی جستجو نمود .

بی گمان در تاریخ ، نظریه پیمان اجتماعی بعضی تطبیقات جزئی دارد لکن با این خصوص نمیتوان گفت که نظریه پیمان اجتماعی پایه تشکیلات اجتماعی و سیاسی امروز بشمار میرود .

انگلستان جدید در آمریکای شمالی که سابقا از مستعمرات انگلیسیها بشمار میرفت از قبیل این اجتماعات بشمار میرود . موسسین این کشور وقتی که از انگلستان بآمریکا در کشتی سوسن مهاجرت میکردند چنین پیمانی باهم بستند و پس از ورود بکرانه های آمریکای شمالی بالتزامات خود قیام نمودند و دولت جدید را بنام انگلستان جدید معرفی نمودند .

با این همه و با اینکه نظریه پیمان اجتماعی از جانب انقلابیون فرانسه به شایستگی استقبال شد نظریه مزبور در تفسیر و تعلیل اجتماعات و تشکیلات سیاسی امروز موفقیتی پیدا نکرد و با آنکه انقلابیون کتاب قرارداد اجتماعی روسو را انجیل انقلاب میدانستند چیزی نگذشت که ناپلئون بناپارت از نو پرچم استبداد را برافراشت و حقوق انسان و آزادی فردی و اجتماعی را در همان گهواره خود خفه کرد .

\*\*\*

حال پس از آنکه دانستیم قرارداد اجتماعی چیست و از جنبه علمی و سیاسی چه ارزشی دارد شایسته است توجهی به نظر اسلام به پیمان اجتماعی بنمائیم و از ارزش این نظریه در نظر اسلام گفتگو کنیم .

رویه گرفته نمیتوان گفت که اسلام در پیدایش دولت چه نظری دارد و با نظریه قرارداد اجتماعی چه مناسبتی دارد چون وظیفه اسلام تحقیق و بررسی اسباب پیش آمدها و حوادث سیاسی نیست و نظری بتفسیر پدیده های اجتماعی ندارد بلکه فقط نظربتشریح و تنظیم کارهای اجتماعی دارد و بررسی و تفسیر حوادث علمی بیشتر بکار یک دانشمند اجتماعی و روانشناس میماند تا به کار یک دین یا یک جنبش سیاسی .

اما با کمی دقت و کاوش درضمن احکام مربوط بحکم و سیاست و قضاء در فقه اسلامی میتوان بنظر اسلام درتفسیر این پدیده اجتماعی برخورد و ارزش نظریه پیمان اجتماعی را از نظر فقه اسلامی دانست .

پیش از همه چیز اسلام دوران طبیعی تاریخ انسانرا که روسو در تقریر این نظریه بیان میکند امری موهوم میداند و چنانچه از مضامین قرآن کریم برمیآید بشر از روز نخست خلقت دارای نظام و مقررات دینی یا عرفی مخصوصی بوده که از آن تجاوز نمینمود .

قرآن کریم بشر را پیش از هرچیز یک موجود اجتماعی میداند و چنانچه خواهیم دید از او بامت و دسته و گروه تعبیر مینماید و زندگانی اجتماعی را لازمه حیاتی بشر میشناسد و دوران طبیعی بشر را که روسو عقیده دارد مقدمه زندگی اجتماعی بشر بوده ، امر موهومی پیش نمیداند .

ودرخصوص تشکیل دولت و حکومت ، اسلام نظریه مخصوصی دارد که از بررسی قرآن کریم ومکتب فلسفی مخصوص قرآن بدست میآید .

باین شرح که چنانچه آفریدگار عالم به جنبه طبیعی زندگانی توجه مخصوص نموده و از هرجهت این قسمت از زندگانی را تنظیم داده جنبه اجتماعی زندگانی نیز مشمول الطاف و توجهات مخصوص او بوده و بهیچ صورت امکان نخواهد داشت که خداوند بشر را در خم و پیچ زندگانی اجتماعی بخود واگذارد و درفراز و نشیب زندگانی از او دستگیری ننماید . از این رو بشر در نظر قرآن کریم گروهی بود ، که بحال اجتماعی زندگانی مینمود و خداوند پیامبران را برای راهنمایی و هدایت ایشان در زندگی اجتماعی و روحی فرستاد .

(كان الناس امة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين و منذرين) .  
و چنانچه از آیات قرآن برمیآید پیامبران از روز نخست براهنمائی و هدایت خلق گماشته شده بودند با این لحاظ دوران طبیعی زندگانی و پیمان اجتماعی داستان موهومی پیش نخواهد بود .

و تا آنجا که میدانیم قرآن تنها کتابی نیست که باین موضوع شهادت میدهد بلکه شاید همه مدارکی که از ادوار ماقبل تاریخ در دست داریم این مطلب را تأیید مینماید .

گذشته از این قسمت که بیشتر جنبه علمی دارد میتوان موارد اختلاف نظریه اسلامی را از نظریه عقد اجتماعی درمساله تشکیل دولت در سه مورد زیر دانست .

۱- تشریح ۲- حدود تشریح ۳- ضمانت تطبیق که یکایک بشرح آن خواهیم پرداخت .

اما درمورد تشریح ، بشر درنظر اسلام بهیچ حال صلاحیت وضع قوانین و تشریح ندارد و زندگانی اجتماعی و فردی فقط باید از جانب خداوند تنظیم شود و فکر پریشان و نظر کوتاه بشر هیچگاه از عهده تنظیم اوضاع آشفته زندگانی برنخواهد آمد . ودراین باره قرآن میگوید فقط درآن صورت ایمان خواهند آورد که در

آنچه مربوط بزندگانی اجتماعی و منازعات فردی ایشان است بدستور شرعی بر گردند (فلا والله لا یومنون حتی یحکموا فیما شجر بینهم ولا یجدون لذلك) بنابراین قرارداد اجتماعی در نظر اسلام نمیتواند سعادت اجتماعی و فردی بشر را تأمین نماید و کم و بیش دستخوش همان اشتباهات و لغزشهایی میشود که هر فردی در حکومت استبدادی امکان دارد با آنها روبرو شود.

اما از نظر حدود تشریح نظریه اسلامی با قرارداد اجتماعی تفاوت بسیار دارد چه حدود قرارداد اجتماعی جنبه مادی زندگانی اجتماعی است و دامنه تشریح در نظریه اسلامی از حدود زندگانی مادی اجتماع وسیعتر است و بهمان نسبت که شامل زندگانی مادی است بزندگانی روحانی اجتماع نیز توجه کامل دارد.

و بهمین جهت فقه اسلامی شامل هر دو جنبه روحی و مادی زندگانی است و از همین نظر بهمان قیاس که بجنبه های مادی و اجتماعی اهمیت میدهد بجنبه روحانی اجتماع نیز توجه دارد.

و چنانچه در مرحله تشریح و حدود آن نظریه اسلامی با نظریه قرارداد اجتماعی اختلاف دارد در مورد تطبیق نیز نظریه اسلامی با نظریه پیمان اجتماعی تفاوت بسیار دارد.

روسو بجهت ضمانت تطبیق قرارداد اجتماعی در اجتماع وجود هیئتی را برای تطبیق قرارداد اجتماعی لازم میداند که بوسیله نیرو و زور از هرگونه تجاوزی جلوگیری نماید.

و چنانچه پیداست این هیئت یک (عامل خارجی) است که در تطبیق قانون تأثیر مینماید و در (درون پیمان) چنین ضمانتی پیدا نمیشود.

اما فقه اسلامی از این نظر توسعه و گشایش بیشتری دارد چه فقه اسلامی بیش از همه چیز بر پایه اعتقاد و اطمینان نفسی استوار است و این موضوع خود بحد کافی ضمانت تطبیق احکام فقهی را در بحثهای اجتماعی و فردی مینماید و از این لحاظ میتوان عقیده را در فقه اسلامی یک (عامل درونی) دانست که در تطبیق قانون تأثیر مینماید.

اما با وجود این نباید تصور کرد که اسلام در مرحله تطبیق بهمین اندازه اکتفا میکند و برای حالات استثنائی که در مجتمع اسلامی با حالات متعارفی که در اجتماع های غیر اسلامی پیش میآید چیزی پیش بینی نکرده و ضمانت کافی برای تطبیق قانون از (خارج) در نظر نگرفته و از همین جا میتوان بموقعیت و اهمیت قوانین کیفری در نظریه اسلامی پی برد.

اینک با توجه بموارد اختلاف چهارگانه بالا خواننده میتواند میان نظریه اسلامی و قرارداد اجتماعی فرق بگذارد و ارزش نظریه پیمان اجتماعی را از نظر اسلام بشناسد.

بقیه از صفحه ۱۲

«مطهر» دلبر شیرین بیانی کرده ام پیدا وفاتش در سال ۱۳۲۵ شمسی اتفاق افتاد، دارای دیوانی است مشتمل بر غزلیات و رباعیات، از اوست.

یک چند ره و رسم شاعت جستم  
برگشته و گوشه قناعت جستم

یک چند بخود کبر و مناعت جستم  
یک چند دگر زهر چه در عالم بود

\*\*\*

جز پیر بدیگری نپرداخته ایم  
کز هر چه بود به غیر حق باخته ایم

مائیم که با فقر و فنا ساخته ایم  
شطرنج بیگسونه و بازی بگذار  
مآخذ - تذکره شرعی همدان خطی